

جراحی اقتصادی چگونه؟

عباس عبدي

آقای ریسی اخیراً گفته است که «قرار است در کشور تصمیم‌های سختی بگیریم، شاید برخی موافق این موضوع نباشند، اما اگر با نگاه نقادانه به کارها نگاه کنند اشکالی ندارد ما را رهنمود می‌کند به افق روشنی که پیشروی اقتصاد است. هر کسی صاحب‌نظر محسوب می‌شود اما نظرش با ما متفاوت است حتماً ابراز کند تا به نقطه مشترک برسیم.» گرچه روشن نیست که منظور از تصمیم‌های سخت چیست، ولی اگر منظورشان توافق برجام باشد که در این صورت نه تنها سخت نیست که تصمیم خلاف آن بسیار سخت است، به ویژه آنکه تا حالا فکر می‌کردیم که رقم مسدود شده اموال ایران کمتر از نیمی از رقم ۱۲۰ میلیارد دلاری است که نماینده سازمان ملل در روزهای گذشته اعلام کرده است و معلوم نیست که چرا این توافق به سرانجام نرسیده است و این تصمیم سختی است، ولی اگر منظور از تصمیم سخت، در حوزه اقتصاد باشد که با توجه به قرائن سخنان ایشان چنین منظوری دارد و از آن با عنوان جراحی بزرگ یاد می‌شود، در این صورت باید به شکل مشروط از آن استقبال کرد.

چرا مشروط؟ زیرا برای جراحی باید چند نکته را رعایت کرد؛ اول از همه تصویربرداری و نتایج آزمایش‌های دقیق از بدن بیمار و وضعیت و مشخصات غده سرطانی باید روی میز جراح باشد. در مرحله دوم تمامی مراحل جراحی پیشاپیش روشن باشد، ضمن اینکه برای جراحی‌های بزرگ به طور معمول یک گروه پزشکان حاذق نظر می‌دهند. فراموش نکنیم ما برای بدن خودمان می‌توانیم هر تصمیمی بگیریم و ریسک کنیم، ولی برای حکومت و مردم باید محتاط هم بود و توافق جمعی را جلب کرد. در مرحله سوم وجود وسایل و تجهیزات جراحی به علاوه جراح مجرب ضروری است. در مرحله بعد بیمار باید با عوارض پس از جراحی آشنا و آمادگی داشته باشد تا دوران نقاهت را به خوبی طی کند.

به علاوه امکانات دارویی و نگهداری بیمار نیز باید فراهم باشد و پس از جراحی باید آزمایش‌های نوبه‌ای انجام شود. بنده از همه این مراحل می‌گذرم و فقط به همان مورد غده سرطانی می‌پردازم. به نظر می‌رسد که در اقتصاد ایران دو غده بیش از اندازه بدخیم و بزرگ شده است؛ اول شکاف قیمتی و پایین برخی کالاهای دولتی به ویژه، نان، سوخت، برق، آب و... با قیمتی که در بازار آزاد می‌تواند عرضه شود.

دوم دولتي بودن اقتصاد کشور. این دو غده به نحوي مرتبط با یکدیگر هم هستند و اتفاقاً حدود ۳۵ سال است که هر دو غده شناسایی شده و هر که رییس دولت شده شعارها و وعده‌هایی برای جراحی این دو غده بدخیم داده ولی نه تنها مشکل حل نشده، حتی تشدید هم شده است. چرا؟ باید قبول کنیم که بخشی از آن ناشی از اختلافات درون‌ساختاری و فرهنگ مردم است که هم با خصوصی شدن مخالف هستند و هم با آزادسازی. ولی این همه ماجرا نیست. موانع اصلی میان سیاستگذاران است. اولین مشکل این است که هیچ‌گاه حاضر نیستند به آزادسازی اقتصادی تن دهند. اینکه قیمت ارز ۴۲۰۰ تومان تعیین شود یا ۲۴۰۰۰ تومان در اصل فرقی نمی‌کند، هر دو حالت تعیین قیمت است. در حالی که آزادسازی منطق دیگری دارد. دولت وظیفه تعیین قیمت‌ها را ندارد (جز موارد استثنا که بحث ما نیست) البته ابزارهای دیگری چون نرخ بهره یا ذخیره قانونی یا مقررات کلی صادرات و واردات و... دارد که با آنها می‌تواند بر قیمت‌ها اثرگذاری کند، ولی حق تعیین دستوری قیمت را ندارد. اگر همین یک مورد را تن ندهید، بقیه موارد دیگر شوخی خواهد بود، زیرا هرگونه قیمت‌گذاری به سرعت موجب افزایش شکاف میان قیمت بازار و رسمی می‌شود و منشا فساد و اتلاف منابع خواهد شد.

دومین ویژگی که اهمیت آن از یک نظر هم بیشتر است، انضباط مالی است. دولت باید به اندازه‌ای خرج کند که دخل می‌کند، آن‌هم نه درآمد از نفت، بلکه از تولید و مالیات بر درآمد باید باشد. تاکنون دولت‌ها از طریق تورم و بی‌ارزش کردن پول ملی، حساب خزانه را پر می‌کردند و هر چه هم می‌خواستند خرج می‌کردند. ادامه چنین وضعی موجب بقای غده درون این جسم بیمار خواهد شد. خصوصی‌سازی و واگذاری‌ها نیز مستلزم تحقق شروطی است از جمله آزادسازی و شفافیت در واگذاری‌ها شرط لازم آن است، والا جز فساد و ناکارآمدی هیچ نتیجه دیگری ندارد. باید مالکیت محترم شمرده شود و هر کس که مالک چیزی شد حق انتفاع از پول و اموال و کسب و کار خود را داشته باشد. در این حالت دستگاه قضایی و پلیس باید در اوج کارایی و استقلال باشند. مقررات مالیاتی، بیمه‌ای، گمرکی و... باید از ثبات کافی برخوردار باشند. اینها نکات خطوط اصلی است که مختصر نوشته شد و جراحی در واقع در آوردن همه اجزای این غده‌هاست، آیا آمادگی برای انجام این کارها را دارید؟ یا فقط می‌خواهید قدری تعدیل قیمت دهید و منابع لازم برای بودجه تامین شود؟ بدون آنکه تحوّل اساسی رخ دهد. به عبارت دیگر جراحی می‌شود، بدون آنکه غده خارج شود.